

جلد ۸

دفتر خاطرات هیوکها

استرماںت و برق دزدکا

تروی کامینگر
ترجمہ نیلوفر امن زادہ

بیست سؤالی



هنوز تعطیلات تابستانی تمام نشده بود، اما قرار بود آیکساندر امتحان بدهد. امتحان ریاضی یا دیکته نبود. یک امتحان فوق‌سری دربارهٔ هیولاها بود که دو دوست صمیمی آیکساندر، ریپ و نیکی، برایش طراحی کرده بودند.



دینگ! ریپ زنگ پایان را زد و گفت: «وقت تمام است کوچولو!»

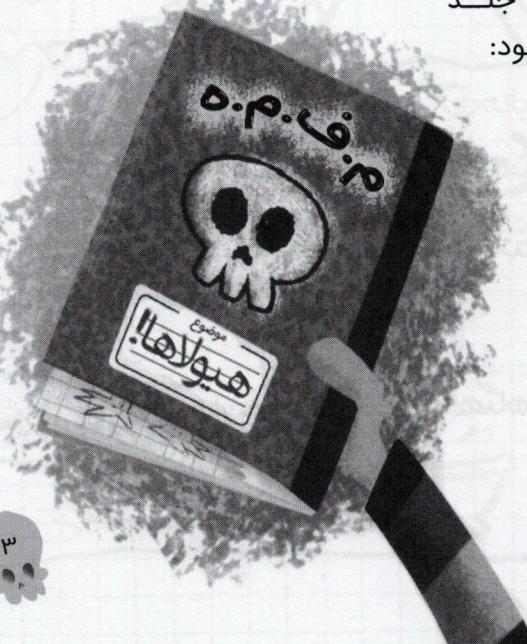
نیکی گفت: «بگذار بینیم چه کار کردی!»
ریپ، نیکی و آلکساندر، اعضای گروه "امموران فوق سری مبارزه با هیولاها" بودند. آنها توانی یک واگن قدیمی، وسط جنگل دور هم جمع شده بودند. این واگن، مقر "م.ف.م.ه" بود.

آلکساندر، برگه‌ی امتحانش را به نیکی داد.
نیکی گفت: «آفرین قورباغه‌ی دماغو. تو یک هیولاگش درجه‌یک هستی. شاید هم درجه‌دو. سؤال آخر را اشتباه جواب دادی.»

آلکساندر گفت: «پووف... حالا کدام هیولا از بقیه بوگندوتراست؟»

نیکی یک دفترچه‌ی کهن را بالا گرفت. روی جلد آن نوشته شده بود:
"م.ف.م.ه"

تلوی این دفترچه پُر از تصویر هیولاها بود. نیکی دفترچه را باز کرد و آن را به آلکساندر داد.



آلکساندر مدادش را برداشت و مشغول نوشتن شد.

امتحان حقوق سری هیولاها
نام: آلکساندر باب
سایز کفش: سی و شش
تولرد: ۳۵ اسفند
سوپ هوره علاوه: نودل مرغ

۱. هیولاهای بارگذاری، هوا می فورند. (صحیح / غلط)

۲. یک سخ آشام بکشید.
تلوی تلیریک
به خوبی می بیند.
یک هیولای خوب
(سلام نیکی)
از نور خورشید دوری
می کند.

او سؤال‌ها را پشت سر هم جواب می‌داد: "صحیح!
غلط! همه‌ی گزینه‌ها! مراقب باش غذای هیولاها نشوی!"
امتحان راحتی بود تا این‌که آلکساندر به سؤال ۲۰ رسید.

۲۰. بوگندوتین هیولای دفترچه کدام است?
خیجار پنیری
حلزون خاصلاب
راسوی دندان خنجری؟